



کارگران جهان متحد شوید!

بهمن ماه 1390 /// شماره 61

# کوردستان



## در این شماره ...

پیام کمیته کردستان بمناسبت سی و سومین سالگرد قیام و چهل و یکمین سالروز رستاخیز سرخ سیاهکل ۲ ص

درباره « انتخابات » مجلس شورای اسلامی ۶ ص

قیام و جنبش انقلابی خلق کرد ۲ ص

سیاهکل تجسم اراده و عمل انقلابی ۹ ص

مبارزات خلق ترکمن ۱۱ ص

بمناسبت ۲ بهمن . شصت و پنجمین سالگرد اعلام جمهوری خودمختار کردستان! ۱۴ ص

اطلاعیه روابط عمومی سازمان بمناسبت درگذشت مادر جزنی ۱۶ ص

پیام تبریک تحریریه ریگای گه ل به دست اندرکاران نشریه راه سرخ ۱۶ ص

گرامی باد ۱۹ بهمن سالگرد رستاخیز سرخ سیاهکل . روزی که خشم خلق خروشید و بر لبها از شوق رستاخیز صدها سرود جوشید!



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

. برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

## پیام کمیته کردستان بمناسبت سی و سومین سالگرد قیام و چهل و یکمین سالروز رستاخیز سرخ سیاهکل

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران !  
سی و سه سال تمام از قیام توده های  
مردم ایران در 22 بهمن 57 که بساط  
ننگین نظام سلطنتی را از ایران برچید  
گذشت . هنگامیکه توده های زحمتکش و  
استثمار شده مردم ایران در این روز  
تاریخی فراموش نشدنی ، با شور و  
ابتکار و با روحیه ای سرشار از  
قهرمانی ، فداکاری و جانفشانی و از  
خود گذشتگی به قیام مسلحانه برخاستند  
تا ستمگران رابا قهر انقلابی سرنوگون  
سازند . تمام وجود قیام کنندگان سرشار  
از امید و آرزو بود . آنها به فردائی می  
اندیشیدند که نه تنها بساط ظلم و ستم و  
بیدادگری رژیم شاه برافتاده باشد بلکه بر  
ویرانه های کاخ ستمگران ، جامعه رفاه  
و خوشبختی ، جامعه ای رسته از ستم و  
استثمار بنا نهاده شده باشد . اما اینک که  
سی و سه سال از قیام میگذرد هر کارگر  
و زحمتکش ستمدیده و استثمار شده  
بوضوح می بیند که به جای رژیم  
ستمگر سلطنتی شاه ، رژیم ستمگر  
جمهوری اسلامی که این نیز همانند  
رژیم شاه پاسدار منافع طبقه سرمایه دار  
، مدافع تمامی ثروتمندان ، استثمارگران  
و ستمگران و دشمن سوگند خورده  
کارگران و زحمتکشان است قرار گرفته  
است . رژیممی که قدم به قدم  
دستاوردهای عظیم توده ها را در انقلاب  
از آنها باز پس گرفت و ثمرات آنهمه  
قهرمانی و حماسه آفرینی توده های مردم

را لگد مال کرد . سران مرتجع رژیم  
جمهوری اسلامی که زمانی برای فریب  
توده های مردم وعده رفاه و آزادی و  
خوشبختی را میدادند . اکنون دیگر  
نزدیک به سی و سه سال است که تمام  
پرده ها را کنار زده اند و برای سرکوب  
کارگران و زحمتکشان سراسر ایران  
رژیم خفقان و ترور را برقرار نموده  
اند . مرتجعین حاکم با توسل به  
دیکتاتوری تروریستی ، عریان و عنان  
گسیخته حتی ابتدایی ترین حقوق مدنی و  
انسانی را از توده های مردم سلب نموده  
اند . ابعاد این اختناق و سرکوب به حدی  
رسیده که حتی زندگی خصوصی مردم  
نیز از مداخلات پلیسی - جاسوسی در  
امان نمانده است ، بیدادگری و  
خودکامگی رژیم به حدی رسیده است که  
اعتراض جهانیان را نسبت به کشتار و  
شکنجه و زندان و بی حقوقی مردم  
برانگیخته است . در دهه شصت  
زندانیهای رژیم انباشته از زنان و مردان  
انقلابی بود که جرم آنها دفاع از  
دمکراسی و آزادی و دفاع از منافع  
کارگران و زحمتکشان ایران بود . تعداد  
بازداشت شدگان آن سالها به مرز صدها  
هزار رسید و تنها طی مدت هفت سال  
هزاران تن از انقلابیون ایران به جوخه  
های اعدام سپرده شدند . نه فقط توده  
های کارگران بلکه اقشار دیگر جامعه  
نیز هر یک به نحوی در معرض  
بیدادگریها و ستمگریهای رژیم جمهوری  
اسلامی قرار گرفته اند . تمام ملیت های  
ساکن ایران ، همه اقلیت های مذهبی و  
قومی نیز از حقوق اجتماعی ، انسانی  
محروم شده اند و هر لحظه و هر ساعت  
در معرض ستمگریهای این رژیم قرار  
دارند . شرایط زندگی مادی توده های

امپریالیسم گام بر میدارد . خلاصه کلام اینکه رژیم جمهوری اسلامی حافظ و حامی منافع سرمایه داران ، پاسدار سلطه امپریالیسم ، مدافع دیکتاتوری و سرکوب و دشمن سوگند خورده کارگران و عموم توده های زحمتکش ایران است . این رژیم طی سی و سه سال جز فقر و بدبختی و بحرانهای مداوم ، دیکتاتوری و سرکوب ، کشتار ، دربردی و آوارگی صدها هزار تن از مردم ایران که از شر ستمگریهای این رژیم به کشورهای دیگر پناه برده اند ، ثمری نداشته است و بر همین مناسبت که اکثریت عظیم توده های مردم از این رژیم رویگردان شده اند و خواستار برافتادن آن هستند . مجموعه وضعیت اقتصادی و سیاسی رژیم نیز که بطور مستمر با بحران روبرو بوده است نشان دهنده تزلزل و ناپایداری این رژیم علیرغم سرکوب خشن و افسار گسیخته و حمایت امپریالیستها از آن است . واقعیت امر این است که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم فجایعی که به بار آورده است و با آنکه سرکوب و ددمنشی را به حد اعلای خود رسانده است با این وجود نتوانسته است روحیه انقلابی ، مبارزه جویانه ، مقاومت و ایستادگی را در مردم از بین ببرد . رژیم هر جنبش اعتراضی توده ها را بیرحمانه سرکوب نموده است ، دهها هزار انقلابی را در زندانهای خود به بند کشیده هزاران انقلابی را به جوخه های اعدام سپرده است . به اعمال وحشیانه ترین شیوه های شکنجه ، رعب و هراس متوسل شده است اما اعتراض و مبارزه پیوسته تداوم داشته است . کارگران ایران کارخانه را به سنگر مبارزه تبدیل کرده اند اعتصاب و

اشکال دیگر مبارزه پیوسته در کارخانه ها ادامه داشته است . جرعه های خشم انباشته و متراکم شده توده ها هر دم اینجا و آنجا می درخشد ! خلق قهرمان و مقاوم کرد همچنان با استواری به مبارزه مسلحانه علیه رژیم ادامه میدهند . تمامی این حقایق نشان دهنده این واقعیت است که رژیم نتوانسته است روحیه انقلابی توده ها را درهم شکند و چیزی نخواهد گذشت که شعله های خشم انقلابی توده ها زبانه کشد و طومار ننگین این رژیم را درهم پیچد . اما توده های زحمتکش مردم ایران بی تردید اینبار با تجارب عظیمی که طی چند سال گذشته آموخته اند و درسهایی گرانبهایی که انقلاب به آنها داده است ، به پا می خیزند . کارگران و زحمتکشان ایران بخوبی پی برده اند که اعتماد ناشی از زود باوری چه مصائبی بر آنها ببار آورده است انقلاب به آنها آموخت مادام که قدرت سیاسی در دست خود کارگران و زحمتکشان نباشد و توده های مسلح از طریق شوراهای خود اعمال حاکمیت نکنند ، ثمرات تمام قهرمانیها ، از خود گذشتگیها و دستاوردهای انقلابی آنها بر باد خواهد رفت تجربه سی و سه سال گذشته باید به توده ها مردم ایران آموخته باشد که اگر طبقه کارگر رهبری انقلاب را در دست نداشته باشد هر تحولی که در ایران صورت گیرد باز هم تمام مصائب و فجایع رژیم شاه و جمهوری اسلامی تکرار خواهد شد . امروز کم نیستند کسانی که به توده های ستمدیده و زجر کشیده از رژیم جمهوری اسلامی به دروغ وعده رفاه و آزادی و خوشبختی میدهند ، سلطنت طلبان این مزدوران دست نشانده امپریالیسم و

مدافعین پیگیر طبقه سرمایه دار که سالها بر زحمتکشان ملت ما ستم روا داشتند دوباره از سورخهای خود بیرون خزیده و به مردم وعده و عید می دهند . اما کیست که در دشمنی این دارو دسته مرتجع نسبت به کارگران و زحمتکشان تردید داشته باشد ؟ کیست که از ابعاد جنایات اینان بی اطلاع باشد ؟ و کدام انسان زحمتکشی است که به ماهیت کثیف اینان آگاهی نداشته باشد ؟ یا مدافعین شورای ملی مقاومت را در نظر بگیرید که در راس آنها جنایتکاری مانند بنی صدر این جلاد مردم کردستان ، ترکمن صحرا ، دانشجویان ، کارگران و زحمتکشان قرار داشت ، که برنامه خود را دفاع از سرمایه داران و حفظ نظام موجود قرار داده اند . اینان نیز به مردم وعده دمکراسی و آزادی میدهند . اما برخلاف ادعاهای تبلیغاتییشان هیچ اعتقادی به دمکراسی ندارند چرا که به اولین و اساسی ترین اصل دمکراسی که همانا اعمال حاکمیت توده های مسلح از طریق شوراهاست اعتقاد ندارند و باز هم می خواهند یک جمهوری اسلامی دیگر بر پا کنند . جریان سبز نیز پس از جار و جنجال بسیار و پشتیبانی خارجی تا حدودی موفق گردید بر امواج نارضایتی توده ها سوار گردد و رهبری چند حرکتی را بدست گیرد . اما طولی نکشید که توده ها دریافتند که اینان نیز خواهان تغییر و تحول نمیشوند و تنها خواست آنها سهم شدن در حاکمیت است که در شرایط کنونی مردم خواهان سرنگونی آن هستند . جناح لیبرال در طول مدت حاکمیت خویش از زمان نخست وزیری موسوی و در سیاهترین دوران تاریخ معاصر ایران که وی از آن

بعنوان دوران طلایی یاد میکند تا دوران پروار شدن سرمایه داران داخلی و خارجی در زمان حکمرانی سردار سازندگی؟! هاشمی رفسنجانی از برنامه

ای سیاسی - اقتصادی ارتجاعی پیروی کرد که نتیجه آن تنها فقر و سیه روزی هر چه بیشتر توده های استثمار شده و محروم بود. و ما آنها را از آغاز تا کنون و در آینده نیز دشمنان خلق دانسته و معتقدیم که سران

آن بایستی به جرم خیانت و جنایت بشدت مجازات گردند. تاریخ هرگز سالهای 60 تا 67 را فراموش نخواهد کرد. خلق نمیتواند خاوران را از یاد ببرد. توده ها بر آنند تا سلاح خویش را برای روز انتقام صیقل دهند. اما انقلاب باید به توده های مردم آموخته باشد که تنها به کسانی اعتماد کنند که در برنامه خود و در عمل از منافع کارگران و زحمتکشان دفاع میکنند و خواهان برقراری یک دموکراسی واقعی هستند و یگانه سازمانی که طی 41 سال مبارزه مستمر پیوسته نشان داده است که لحظه ای از منافع کارگران و زحمتکشان عدول نکرده و در مرحله کنونی نیز خواستار برقراری یک رژیم حقیقتا انقلابی و دمکراتیک است، سازمان ماست. سازمان ما که چهل و یکمین سالروز بنیانگذاری آن با 19 بهمن یعنی سالروز حماسه آفرینی فدائیان خلق در سیاهکل فرا رسیده است در طول مبارزات بی امان و با برنامه و عملکرد انقلابی خود شایستگی آنرا دارد که مورد اعتماد توده های مردم ایران باشد. چهل و یک سال پیش رفقای ما در یکی از سیاهترین دورانهای تاریخ اخیر ایران به مبارزه ای حماسه آفرین

علیه رژیم شاه برخاستند و سنت مبارزات انقلابی کمونیستهای ایران را احیاء نمودند از آن پس تاکنون دفاع سازمان ما از منافع کارگران و مبارزه

**برنامه ما خواهان رفع هرگونه تبعیض و ستم نژادی، جنسی، قومی و ملی، برسمیت شناختن بی قد و شرط حق تعیین سرنوشت برای ملتهای تحت ستم ایران و اجرای اکید آزادیهای سیاسی است.**

بخاطر دموکراسی و سوسیالیسم بر هیچکس پوشیده نیست. هزاران فدایی که طی این مدت در مبارزه علیه رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی جان باختند و یا در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی در بند شدند و در خون خود خفتند وفاداری خود را به آرمان کارگران و زحمتکشان نه در حرف بلکه در عمل نشان داده اند. صحت و خفایت گفتار و کردار، خط مشی و مواضع ما در تجربه های توده ها خود را نشان داده است سازمان ما از همان فردای قیام یعنی هنگامیکه اکثریت عظیم توده های مردم پی به ماهیت ارتجاعی و ضد انقلابی رژیم نبرده بودند به افشای رژیم جمهوری اسلامی پرداخت و دوش به دوش توده های مردم از دستاوردهای انقلاب دفاع کرد، از مبارزه مسلحانه خلقهای قهرمان کرد و ترکمن که بدفاع مسلحانه از دستاوردهای انقلاب برخاسته بودند، همه جانبه حمایت کرد و پیگیرانه از خواستهای انقلابی کارگران و زحمتکشان دفاع نمود. سازمان ما ماهیت رسوای حزب توده و اکثریتی های خائن را که می کوشیدند به فریب توده ها متوسل شوند تا رژیم ارتجاعی

حاکم را مترقی و انقلابی معرفی کنند، افشا کرد. سازمان ما طی بیش از سی سال که از شکل گیری شورای ملی مقاومت گذشته است، مداوما ماهیت،

اهداف، مقاصد و برنامه آنرا برملا نموده است و نشان داده است که جمهوری دمکراتیک اسلامی اینان نیز هیچ تفاوت اساسی با جمهوری اسلامی خمینی ندارد. سازمان ما در برنامه و در عمل نشان داده

است که پیگیرترین مبارزه راه راهی، دموکراسی و سوسیالیسم است. سازمان فدائی که اساسا اهداف و منافی جدا از اهداف و منافع طبقه کارگر ندارد و هدف نهائی خود را بر انداختن نظام سرمایه داری توسط طبقه کارگر و برقراری یک جامعه سوسیالیستی مبرا از هرگونه ستم و استثمار قرار داده است، هدف فوری خود را سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری فدراتیو شواری قرار داده است که فوری ترین درخواستهای دمکراتیک - ضد امپریالیستی و رفاهی توده های مردم را سریعاً متحقق سازد. عموم توده های مردم از مظالم دیکتاتوری، اختناق و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی بستوه آمده اند و خواستار برقراری یک رژیم دمکراتیک در ایران هستند. برنامه حداقل ما خواهان برقراری یک رژیم حقیقتا دمکراتیک از طریق اعمال حاکمیت توده ای از طریق شوراهای کارگران و زحمتکشان و توده هاس مسلح است. برنامه ما خواهان رفع هرگونه تبعیض و ستم نژادی، جنسی، قومی و ملی، برسمیت شناختن بی قد و شرط حق تعیین سرنوشت برای ملتهای

تحت ستم ایران و اجرای اکید آزادیهای سیاسی است. در برنامه ما قطعی ترین مبارزه علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی آن بورژوازی وابسته ملی کردن کلیه صنایع و موسسات متعلق به بورژوازی بزرگ و انحصارات امپریالیستی، الغا و افشا قراردادهای اسارتبار امپریالیستی و کنترل شوارهای کارگری بر تولید و توزیع خواسته شده است. کار نیست، نان نیست، فقر عمومی بر جامعه حاکم است ما قطعی ترین برنامه را برای تامین کار و رفاه عمومی ارائه داده ایم. انجام این برنامه در گرو سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری فدراتیو شورایی است، هیچ تردیدی نیست که توده های زحمتکش میهن ما و روشنفکران انقلابی پس از آن همه مبارزه و قهرمانی ننگ دوام و بقاء رژیم جمهوری اسلامی را تحمل نخواهند کرد. کارگران و زحمتکشانی که با قدرت لایزال خود رژیم سلطنتی شاه را با آنهمه قدرت سرکوب و نظامی اش درهم کوبیدند قادرند، می توانند و باید رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و بگور بسپارند. کارگران و زحمتکشان ایران! روشنفکران انقلابی! مردان و زنانی که همه روزه ستم رژیم جمهوری اسلامی را با تمام وجود خود لمس می کنید، برای نبرد نهائی علیه رژیم بپا خیزید! و برای یک قیام مجدد علیه رژیم ستمگر و ارتجاعی جمهوری اسلامی آماده شوید. توده های مردم سراسر ایران! تحت رهبری طبقه کارگر، این طبقه مصمم و سازش ناپذیری که تاریخ رسالت دگرگونیهای عظیم عصر ما و ایجاد جامعه نوین سوسیالیستی را برعهده وی قرار داده

است به گرد پرچم و برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست که همانا پرچم سرخ رهایی بخش کارگران ایران است به نبرد قطعی علیه رژیم جمهوری اسلامی برخیزید!

سربازان و پرسنل انقلابی ارتش! نزدیک به چهار دهه بحران و جنگ به شما ثابت کرده است که مقاصد توسعه طلبانه و جاه طلبانه رژیم جمهوری اسلامی در جهت منافع سرمایه داران و امپریالیسم است. تفنگهای خود را بسوی رژیم جمهوری اسلامی برگردانید!

کارگران انقلابی ایران!

گردان بیشتاز مبارزه توده ها!

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپایی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنید!

کارخانه ها را به اعتصاب بکشید و خود یک قیام مسلحانه آماده کنید. معلمین و محصلین انقلابی و مبارز! مدارس را به سنگر مبارزه مداوم علیه رژیم بدل کنید! کمیته های مخفی اعتصاب و هسته های مقاومت را سازمان دهید و نقش انقلابی خود را در جنبش ایفا نمایید!

دهقانان زحمتکش!

تنها سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری فدراتیو شورایی می تواند پاسخگوی خواستهای انقلابی دمکراتیک و رفاهی شما باشد. بعنوان متحد نزدیک طبقه کارگر در انقلاب علیه رژیم جمهوری اسلامی بپا خیزید!

اعضا و هواداران سازمان! مدافعین پیگیر منافع طبقه کارگر، مبارزین راه سوسیالیسم! همانگونه که تاکنون با قهرمانی و از خود گذشتگی در خط مقدم جبهه علیه دشمنان طبقاتی پیکار کرده اید

و پرچم سرخ آرمانهای والای کارگران را برافراشته نگاه داشته اید و افتخار آفرینید با پیگیری تام و تمام به مبارزه ادامه دهید! طبقه کارگر را متشکل و آگاه کنید! پیوند خود را با طبقه کارگر مستحکم تر نمایید. کارخانه ها را به دژ تسخیر ناپذیر تبدیل کنید، خائنین به آرمانهای کارگران و دوستان دروغین خلق و کلیه مدافعین پوشیده و آشکار نظم موجود را بیرحمانه افشا کنید!

برنامه انقلابی سازمان را وسیعاً به میان توده ها ببرید. بر فعالیتهای تبلیغی خود علیه نظم سیاسی اقتصادی موجود بیافزاید. شعارهای سازمان را بر در و دیوار بنویسید. فراموش نکنید که قدرت ما در تشکیل و آگاهی کارگران و زحمتشکان نهفته است و هیچ نیرویی را یارای مقابله و مقاومت در برابر کارگران و زحمتکشان نیست. با قطعیت می گوئیم که پیروزی ما و شکست مرتجعین حتمی است. افتخار به طبقه کارگر این مبارزان ثابت قدم و استوار!

افتخار به هزاران فدائی که قهرمانانه در زندانهای رژیم و در برابر جوخه ها اعدام به آرمانهای کارگران و زحمتکشان وفادار ماندند.

افتخار به کلیه مبارزین و انقلابیونی که علیه رژیم پیکار می کنند!

زنده باد انقلاب

زنده باد سوسیالیسم!

مرگ بر سرمایه داران و کلیه مرتجعین

مرگ بر خائنین و سازشکاران

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورایی

کمیته کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

## درباره « انتخابات » مجلس شورای اسلامی

توده های مردم زحمتکش ایران ؛ کارگران ، زحمتکشان ، زنان ، جوانان ، دانشجویان.. چندروزی بیشتر به موعد برگزاری «انتخابات» مجلس شورای اسلامی ایران باقی نمانده است . بلندگوهای مراکز تبلیغاتی و رسانه ای جمهوری اسلامی از مدتها قبل تبلیغات خود را حول «انتخابات» بمنظور داغ کردن تنور آن تشدید کرده اند و نسبت به آزاد بودن انتخابات اطمینان میدهند و از مردم دعوت میکنند تا به شکل گسترده ای در «انتخابات» شرکت کنند.

اینکه «انتخابات» در جوامعی که اقلیتی از ثروتمندان قدرت اقتصادی و به تبع آن قدرت سیاسی را در دست دارند مضحکه ای بیش نیست ، کمترین شبهه ای وجود ندارد. امروز با توجه به تکامل وسایل ارتباط جمعی و دست یابی نسبتاً آسانتر توده های مردم به اخبار و اطلاعات عمومی درباره چگونگی برگزاری «انتخابات آزاد» در کشورهای اروپائی و آمریکا ، مبین همین واقعیت است که حتی در این کشورهای پیشرفته سرمایه داری بدون خرج میلیونها دلار از طرف کاندیداهای نمایندگی و نیز بدون پشتیبانی شرکت های غول پیکری که بر مدیا ها و رسانه های جمعی این کشورها حکومت میکنند، شانسی برای انتخاب شدن وجود ندارد.

اما در جمهوری اسلامی ما، سردمداران حکومت در هنگام انتخابات علاوه بر کاربست همه ترفند ها و عوامفریبیهای رایج در نظامات سرمایه داری ، از عقب مانده ترین مناسبات و هیرارشی مذهبی و ارگانهای ابداعی خود استفاده میکنند تا انتخابات فرمایشی خود را به لباس «انتخابات آزاد» آراسته سازند . اینکه کاندید های انتخابات باید پی رو مبنای شرع ان هم از نوع شیعه دوازده امامی بوده و به نظام ولایت فقیه مومن و معتقد باشند و.. هنوز کافی نیست . کاندیدها برغم قبول قانون اساسی و سابقه ذوب شدن در ولایت فقیه از جمله باید از چندین فیلتر گذشته باشند و بدوا صلاحیت آنها مورد تائید ارگانهای متعدد

حاکمیت قرار گرفته باشد تا بتوانند بعنوان

کاندید «انتخابات» ظاهر شوند و بطریق اولی حاکمیت عده ای را دستچین میکنند و سپس از رای دهندگان میخواهد تا به یکی از آنها رای بدهند. البته تجربه نشان داده است که در دستگاه ولایت فقیه، این هم فورمالیته ای بیش نیست چراکه از درون از فیلتر گذشتگان هم تنها آنهایی باید از صندوقها بیرون بیایند که قبلا چنین حکمی برای آنها صادر شده است. تفلب در انتخابات ریاست جمهوری در سال 88 و دست کاری در آرای ریخته شده به صندوقها که با اعتراضات گسترده ای در سطح جامعه مواجه شد، از نمونه های بارز آن است .

اکنون بویژه بعد از مضحکه انتخابات ریاست جمهوری در سال 88 و سرکوب خونین اعتراضات مردم ، بر ناآگاه ترین بخش جامعه هم آشکار شده است که انتخابات در جمهوری اسلامی فریبی بیش نیست . امروز صاحبان قدرت و ثروت در ایران حاضر نیستند حتی از جناح های درونی و ذوب شدگان در ولایت فقیه هم بمنظور داغ کردن تنور انتخابات و مشروعیت بخشیدن به آن استفاده کرده آنها را در تقسیم قدرت سهیم سازند تا چه رسد به بقیه مردم که هرندای آزادی خواهانه آنها با سرکوب و زندان و اعدام مواجه میشود.

بنا بر این شرکت در چنین «انتخاباتی» بازی در بساط رژیم است که بیش از سی و سه سال است که توده های مردم را از ابتدائی ترین حقوق سیاسی و مدنی خود محروم نموده است. در چنین بازی انتخاباتی نباید شرکت کرد. در عین حال با توجه به وضعیت حساسی که در آن به سر میبریم تنها شرکت نکردن در انتخابات تاثیر گذاری توده های مردم بر اوضاع سیاسی را تامین نمیکند .

کشور ما در شرایط بسیار حساسی به سر میبرد . تحریمهای گسترده کشورهای امپریالیستی بر دامنه بحران اقتصادی افزوده است . افت صادرات و کاهش درآمد ارزی ، تحریم بانگ مرکزی و سایر مراکز مالی و تجاری به رکود و تورم بیشتر دامن زده و خواهد زد امری که از هم اکنون در نوسان

شدید قیمت ارز و افزایش تورم و سیر صعودی قیمت مایحتاج عمومی خود را نشان میدهد و خطر جنگی که عواقب آن فاجعه بار خواهد بود و همچون شبیهی در آسمان کشور در پرواز است. رژیم در تلاش است همزمان با برگزاری انتخابات فرمایشی و کشاندن مردم پای صندوقهای رای برای افکار عمومی چنین وانمود کند که گجویا هنوز از پایگاه اجتماعی کافی برای حکومت کردن برخوردار است و از طرفی با تشدید سرکوب اعتراضات و اعتصابات کارگران و دستگیری فعالین کارگری ، روزنامه نگاران و فعالین جنبشهای اجتماعی از اعتراضات گسترده توده ای در فرایند تشدید بحران جلوگیری کند. اما اوضاع سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی ایران ، منطقه و جهان مبین این واقعیت است که روند بسیار پیچیده ای پیشروی مبارزات توده های زحمتکش مردم ایران گسترده است و نه شعبده بازی انتخابات و نه تشدید سرکوب بیشتر فعالین جنبش های اجتماعی راه گریزی برای رژیم باقی نگذاشته است که بتواند اوضاع را به حالت عادی برگرداند و موقعیت خود را تحکیم کند.

### ما توده های زحمتکش مردم ایران را

### فرامیخوانیم که در انتخابات فرمایشی

### رژیم شرکت نکنند و نمایش

### «انتخاباتی» پیش روی را به صحنه

### کارزار مبارزه علیه ستم و سرکوب و

### جنگ و کشتار و مبارزه برای آزادی .

### برابری و عدالت اجتماعی تبدیل

کنند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

29 بهمن ماه 1390

فدائیان کمونیست در فیس بوک

<http://facebook.com/sitefedayi>

توفان انقلاب 1357 که در 22 بهمن ماه همان سال به قیام مسلحانه انجامید و نظام سلطنتی را که مظهر ستمگری 2500 ساله شاهان بود از ایران برچید یکی از برجسته ترین رویدادهای انقلابی تاریخی و دقایق ارزشمند زندگی سیاسی توده های مردم ایران است ، که بصورت فصلی برجسته بر صفحات تاریخ مبارزه انقلابی توده های ستمدیده و استثمار شده جهان علیه ستمگران تاریخ حک خواهد شد . هر چند که فقدان رهبری انقلابی و ضعف تشکل و آگاهی کارگران و زحمتکشان ایران مانع از آن گردید که این انقلاب به فرجام پیروزمند خود برسد و آرزوها و آرمانهای دیرینه توده های مردم در جهت برانداختن ستمگران و استثمارگران تحقق یابد بلکه بالعکس یکبار دیگر ستمگران و استثمارگران ابتکار عمل انقلابی را از دست توده های ستمدیده و زجر کشیده مردم ایران گرفتند . و بر آنها مسلط شدند ، با این وجود عزم ابتکار و اراده انقلابی توده ها که در حین سالهای طوفانی انقلاب به نهایت خود رسیده بود ، دست آوردهای عظیمی برای آنها بارمغان آورد که هر چند بخش عظیمی از این دستاوردها از آنها پس گرفته شد ، اما خاطره آنها که اینک بصورت تجارب گرانبها و ارزشمندی در ذهن توده های مردم با تجدید قوای خود به مبارزه ای تعیین کننده برخاستند ، تمامی این تجارب و خاطره های دستاوردهای انقلابی خود را بخدمت خواهند گرفت و این بار برای همیشه امان را از ستمگران خود خواهند گرفت . سوای تمامی نتایجی که انقلاب 1357 ببار آورد و موضعی که هر یک

## قیام و جنبش انقلابی خلق کرد

از طبقات و اقشار جامعه در این انقلاب اتخاذ نمودند ، نقشی که ملیتهای ساکن ایران در تحول انقلاب و دستاوردهای انقلابی آن ایفاء نمودند ، بر هیچکس پوشیده نیست و برجسته ترین نقش را در میان ملیتهای تحت ستم ، خلقهای تحت ستم ترکمن و کرد ایفاء نمودند که یکی با بنای شوراها بمثابه نطفه اعمال حاکمیت توده ای مظهر ابتکار انقلابی توده ای و دیگری یعنی خلق کرد مظهر مقاومت و ایستادگی انقلاب بود . خلق کردکه سراسر تاریخچه زندگی سیاسی آن در دورانهای اخیر با مبارزه علیه ستمگران توأم بوده است بار دیگر هنگامیکه طوفان انقلابی 1357 سراسر جامعه را فرا گرفت به جنبش سراسری توده های مردم ایران پیوست و نقش برجسته و انقلابی خود را در جنبش ایفاء نمود . توده های مردم کردستان دوش به دوش تمامی توده های ملیتهای ساکن ایران بمبارزه ای حماسه آفرین و قهرمانانه علیه رژیم شاه برخاستند ، تا با سرنگونی آن درخواستهای انقلابی - دمکراتیک دیرینه خود را بمثابه امری فوری متحقق سازند . آنها در قیام مسلحانه 22 بهمن با یورش بمراکز ستم و سرکوب نقش انقلابی خود را در سرنگونی قهر آمیز رژیم شاه ایفاء نمودند . آنها مسلح شدند تا مسلحانه از دستاوردهای انقلابی خود دفاع کنند و ستمگری ملی را نیز براندازند .

خلق کرد بنا به سنن ملی و تجارب مبارزاتی خود از همان آغاز قیام از این امتیاز ویژه برخوردار بود که برخلاف توده های مردم سراسر ایران از اعتماد

مطلق و پیروی کورکورانه نسبت به دارو دسته خمینی که بر موج جنبش توده ها سوار شده بودند مبرا بود از همین رو هنگامیکه ضد انقلاب بقدرت خزیده تلاش نمود که با توسل به توهم و ناآگاهی توده ها و اعتماد ناآگاهانه ای که آنها به خمینی داشتند ، ابتکار عمل انقلابی را از توده های مردم بگیرد و نخستین گام را در جهت ضد انقلابی خود بازسازی ارتش و خلع سلاح توده ها قرار داد . خلق کرد از بر زمین گذاشتن سلاح سرباز زد . تجربه مبارزاتی و سنن انقلابی توده های مردم کردستان به آنها آموخته بود که تنها با در دست داشتن سلاح قادرند از دست آوردهای انقلابی خود دفاع کنند ، هرگونه توطئه ضد انقلابی را درهم کوبند و در برابر یورش سازمان یافته رژیم ایستادگی و مقاومت کنند . آنها در تجربه مبارزاتی خود دیده بودند که هر گاه سلاح از دست آنها گرفته شد ، سلب حقوق و تداوم ستم پیامد آن بوده رژیم جمهوری اسلامی که بخوبی آگاه بود ، تا وقتی که سلاح در دست توده های مردم کردستان باشد ، نه قادر است نظم ضد انقلابی خود را در مناطق دیگر حاکم سازد و نه میتواند خلق کرد را به تبعیت و فرمانبرداری از خود وا دارد ، فرمان سرکوب خلق کرد را صادر کرد و یورش عنان گسیخته مزدوران مسلح آن به کردستان آغاز گردید . اما مگر می توان خلق مسلحی را که بدفاع از دستاوردهای انقلابی خود و رفع ستمگری بپا خاسته است ، سرکوب کرد و بانقیاد کشی ؟ مگر می توان مردمی را که به نبردی نا برابر برخاسته اند شکست داد ؟ تجربه نشان داد که خلق

مسلح شکست ناپذیر است رژیم در جنگ سندانج و در یورش گسترده 28 مرداد به کردستان با شکست روبر شد و سرافکنده راه عقب نشینی را در پیش گرفت . در زمینه تاثیر این مقاومت دلیرانه مردم کردستان که مورد پشتیبانی و حمایت همه نیروهای انقلابی و مترقی سراسر ایران بویژه سازمان ما قرار گرفت همین بس که رژیم پس از این شکستها تا مدتها نتوانست اهداف ضد انقلابی خود را بنحو فشرده و متمرکز پیش برد . خلق کرد مظهر مقاومت و ایستادگی انقلاب گردید . رژیم تمامی تلاشهای ضد انقلابی خود را بکار گرفت توده های مردم کردستان را زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی و سیاسی و نظامی قرار داد ، دست به اعدام و کشتار جنایت بار زد دست به قتل عام جمعی مردم روستاهای کردستان زد ، دهقانان بی دفاع را گلوله باران کرد ، اما اینک پس از گذشت بیش از سی و دو سال از نخستین یورشهای رژیم به کردستان ، روشن شده است که تمام تلاشهای مذبحخانه رژیم با شکست روبرو شده است . هر چند که اعتلا همه جانبه جنبش انقلابی - دموکراتیک خلق کرد در پیوند و تحت تاثیر جنبش سراسری توده های مردم ایران صورت گرفت و تعرض همه جانبه اتی آن منوط به یک جنبش سراسری عموم توده های مردم ایران است . اما جنبش انقلابی خلق کرد نه تنها در قیام بهمن ماه بلکه طی تمام دوران پس از آن اثرات بسیار مساعد و مثبتی بر جنبش سراسری توده های مردم بر جای گذاشته است . خلق کرد طی این مبارزه درسهای بسیار ارزنده ای از ایثار ، مقاومت قهرمانی و

از خود گذشتگی به عموم توده های مردم داده است خلق کرد به عموم مردم ایران نشان داد که چگونه خلقی کوچک اما مسلح و با ایمان ، قادر است در برابر دشمنی بزرگ و تا دندان مسلح ایستادگی کند ، و پوزه ارتجاع را به خاک مالد . خلق کرد پس از گذشت بیش از سی و دو سال نبرد مستمر به عموم توده های مردم ایران نشان داده است که تنها مردم مسلح قادرند از آزادی و دموکراسی دفاع کنند . تجربه مبارزات انقلابی خلق کرد صحت و حقایقیت برنامه و خط مشی ما را در زمینه ضرورت درهم شکستن ماشین نظامی -

**تجربه قیام به توده های مردم ایران و تمام ملیتهای تحت ستم نشان داد که هیچ انقلابی بدون در هم شکستن سر تا پای ماشین دولتی موجود بدون تسلیح عمومی خلق و اعمال حاکمیت توده ای به پیروزی نخواهد رسید**

بورکراتیک موجود در یک انقلاب خلقی و واقعی ، تسلیح عموم خلق و حاکمیت توده ها از طریق شوراها را باثبات رساند . تجربه قیام به توده های مردم ایران و تمام ملیتهای تحت ستم نشان داد که هیچ انقلابی بدون در هم شکستن سر تا پای ماشین دولتی موجود بدون تسلیح عمومی خلق و اعمال حاکمیت توده ای به پیروزی نخواهد رسید . پس روشن است کلیه کسانی که امروز پس از گذشت سی و سه سال از قیام و آنهمه تجارب ارزشمند توده های مردم سراسر ایران و خلق کرد ، باز هم در برنامه های خود خواستار حفظ ارتش و بورکراسی موجود و خلع سلاح توده ها هستند . از هم اکنون با این خیال قدم به عرصه مبارزه گذاشته اند ، که در قیام

مجدد توده ها یکبار دیگر دستاوردهای انقلابی توده ها را از آنها باز پس بگیرند و درست علیه یک چنین گرایش است که ما از هم اکنون پرچم مخالفت را بلند کرده ایم . از همین زاویه است که ما امروز با افشاء مدام و مستمر شواری ملی مقاومت و در راس آن مجاهدین خلق برخاسته ایم که بجای تسلیح عموم خلق و اعمال حاکمیت توده ها از طریق شوراها ، خواستار حفظ ارتش ضد خلقی موجود بوروکراسی پوسیده و ارتجاعی و خلع سلاح توده های مردم اند .

خلق قهرمان کرد که تاکنون نقش بسیار مهمی در انقلاب ایران ایفا نموده است باید به تجربه آموخته باشد که بدون رهبری طبقه کارگر بدون ایجاد نظامی که در آن توده های مسلح از طریق ارگانهای اقتدار توده ای ، خود اعمال حاکمیت کنند نه تنها به حق تعیین سرنوشت خود و دیگر مطالبات و درخواستهای دموکراتیک و انقلابی خود دست نخواهد یافت بلکه تمام ثمرات و قهرمانی و حماسه آفرینی را که با خون هزاران تن از بهترین فرزندان خود به دست آورده است از دست خواهد داد .

تردیدی نیست که خلق کرد تمام تجارب ارزشمند خود را که طی چند سال گذشته بدست آورده است بکار خواهد گرفت و همانگونه که در قیام بهمن ماه سال 1357 و سالهای پس از آن تا به امروز نقش بسیار مهم خود را ایفاء نموده است .

در قیام قریب الوقع مجدد توده های مردم سراسر ایران تحت رهبری طبقه کارگر نقش قطعی تر خود را ایفاء نمود و تا تحقق درخواستهای بر حق و عادلانه اش از پای نخواهد نشست .



## سیاهکل تجسم اراده و عمل انقلابی

در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ گروهی از انقلابیون کمونیست که تمام وجودشان سرشار از ایمان و اعتقاد به طبقه کارگر و آرمانهای والای این طبقه بود، با حمله مسلحانه به پاسگاه سیاهکل نبردی حماسی را با خصم طبقاتی آغاز نمودند و فصل جدیدی را در تاریخچه جنبش کمونیستی ایران گشودند. تاکنون درباره اهمیت تاریخی و نقاط ضعف و قوت مبارزه ای که رفقای فدائی ما رد این روز آغاز نمودند، به دفعات و از زوایای مختلف سخن بمیان آمده است، اما بویژه آنچه که امروزه با توجه به اوضاع کنونی جنبش باید بر آن تاکید نمود، نقشی است که رفقای بنیانگذار سازمان ما بر امر مداخله فعال در مبارزه طبقاتی از طریق روی آوری به عمل انقلابی قائل بودند و سیاهکل تجسم یک چنین اعتقادی بود. این اعتقاد از یک درک صحیح مارکسیستی منشاء می گرفت که نقطه عزیمت خود را بر این اصل استوار میسازد که نقد یک پدیده در تئوری کافی نیست، بلکه باید انتقاد نظری را با انتقاد عملی توانم ساخت. پدیده را در تئوری مورد انتقاد قرار داد و در عمل دگرگون کرد. از این دیدگاه، سیاهکل تنها یک اقدام فداکارانه و جسورانه فدائینی که به عملیات مسلحانه روی آوردند و سنت مبارزه آشتی ناپذیر و قهر آمیز را برای سرنگونی ستمگران در ایران تثبیت نمودند، نیست بلکه از آن مهمتر روی آوری به عمل انقلابی برای تغییر نظم موجود، تلفیق انتقاد

نظری با انتقاد عملی و با نتیجه مداخله فعال در مبارزه طبقاتی، در شرایطی بود که از مدتها پیش گسست میان تئوری و عمل، یک دوران رکود، بی عملی، انفعال، بلاتکلیفی، سردرگمی و پراکندگی را در جنبش حاکم ساخته بود. حزب توده که در نتیجه اعمال سیاستهای اپورتونیستی و خائنانه خود یکرشته شکستهای مداوم را جنبش تحمیل نموده بود، رسالتی جز تشدید بحران موجود و دامن زدن به پاسیسیسم و انفعال نداشت. گروهها و سازمانهای دیگر نیز که ظاهرا با حزب توده مرزبندی داشتند نه قادر بودند پاسخی مقتضی و درست به مسائل مبرم و جنبش بدهند و نه جرات آنرا داشتند پا را از محدوده حرف فراتر بگذارند و برای تغییر وضع موجود به عمل انقلابی روی آورند. گروهی از روشنفکران بی عمل نیزر خیانتهای حزب توده را بهانه کرده، در اطاقهای در بسته به فلسفه بافی مشغول بودند تا از لابلای کتابها (( تئوری انقلاب )) را کشف کنند و بر بحرانی که دامنگیر جنبش شده بود فائق آیند! در چنین شرایطی رژیم شاه با توسل به دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته و سلب ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی به قدر قدرتی خود ادامه میداد و این توهم را می پراکند که گویا امکان هر گونه فعالیت و عمل انقلابی از میان رفته است. نیروهای انقلابی و مبارز که در تلاش برای دگرگونی این وضعیت بودند بیش از آنکه بتوانند به یک عمل

جدی انقلابی روی آورند، در نطفه ای ترین شکل تشکل خود از پای در می آمدند. نه رابطه محکمی میان نیروهای معتقد به مارکسیسم - لنینیسم وجود داشت، نه میان این جریانات و طبقه کارگر و نه سازمانی مستحکم و ادامه کار وجود داشت که بتواند پایداری جنبش را من حیث المجموع تامین کند. انقلابیون واقعی در پی یافتن راه حلی برای برون رفت از بن بست موجود بودند. مسائل میرمی در برابر جنبش قرار گرفته بود که پاسخ فوری را می طلبید. " اینک باید به این مسائل پاسخ داده می شد که برای پیوند گروهها و محافل مارکسیستی، برای جمع آوری آنها حول یک سازمان و یک محور، سازماندهی نوین، ارتباط توده و تیشاهنگ، ترسیم خط فاصلی بین رفرمیسم و مارکسیسم - لنینیسم انقلابی، مبارزه با دیکتاتوری و تدویم مبارزه ضد امپریالیستی، تلاش در جهت تسریع درهم کوبیدن اعتقاد بع شکست ناپذیری دشمن، خدشه درآ کردن قدر قدرتی هیئت حاکمه در ذهن توده ها، محو آثار بدبینی نسبت به پیشاهنگ، ایجاد زمینه های ارتباط توده ای در سطح گسترده و بالاخره ایجاد سازمانی از انقلابیون حرفه ای که در شرایط خاص آن زمان ادامه کاری داشته باشد و بتواند لاینقطع مبارزه را پیش برد یعنی در حقیقت بتواند در مقابل دیکتاتوری سهمگین و سرکوب مطلقا قهر آمیز آن ایستادگی کند، باقی بماند و رشد کند، چه باید کرد؟

پاسخ به همه این مسائل در دستور روز قرار گرفته بود. دهها گروه و سازمان شیوه ها و روشهای متعددی را بخدمت گرفتند به هر شیوه ای متوسل می شدند

تا پاسخ چه باید کرد؟ خود را بباند . غافل از اینکه اگر تکرار الگو وار تجربیات خلقها و جنبش های انقلابی و کاربرد مارکسیسم – لنینیسم بطور مکانیکی ، میتوانست جوابگوی مسائل باشد ، بسیاری از مشکلات آسان شده بود . مارکسیست – لنینیستها می بایستی با فرار راه قرار دادن تطوریهای عام مارکسیستی – لنینیستی به تحلیل شرایط مشخص جامعه پردازند و با بهره گیری از تجربیات انقلابی خلقها ، آن اشکال ، روشها و شیوه ها را برگزینند و بکار بندند که متناسب با شرایط مشخص جامعه باشد و به امر آگاه کردن و شکل توده ها و تداوم مبارزه مدد رساند ."

اهمیت فعالیت بنیانگذاران سازمان در این بود که به این مسائل مبرم پاسخ گفتند ، نه تنها یک تحلیل مشخص از شرایط مشخص ایران ارائه نمودند بلکه نقشه های تازه ای برای مبارزه مطرح نمودند . اشکال سازمانی و شیوه های مبارزاتی کهنه را که بی ثمری آنها طی چند دهه به اثبات رسیده بود بکنار نهادند و اشکال و شیوه های جدیدی برگزیدند . در مرحله تئوری و حرف باقی نماندند ، بمراحل عمل گام نهادند و راه و روش مداخله فعال در مبارزه طبقاتی را در پیش گرفتند . اهمیت سیاهکل در همین بود . هر چند از آن هنگام تا بامروز و گذشت ۴۱ سال تمام ، سازمان مراحل مختلفی را پشت گذارده و امروز با مسائل کیفی جدیدی روبروست ، اما عصاره تفکر و پراتیک حماسه آفرینان سیاهکل که همانا روی آوری به عمل انقلابی برای دگرگونی نظم موجود و مداخله فعال در امر مبارزه طبقاتی است ، همچنان باید راه و روش سازمان ما و

همه کسانی باشد که بر خود نام فدائی می گذارند . ما برای این مسئله بویژه از آن جهت تاکید می کنیم که امروز در نتیجه ضرباتی که سازمان ما و جنبش انقلابی طبقه کارگر و توده های مردم ایران متحمل گشته است ، موج انفعال ، روی گردانی از مبارزه فعال ، فلسفه بافی های روشنفکرانه و تشکیلات ستیز در میان بخشی از نیروها رواج یافته است . درست است که در شرایط سلطه ارتجاع و عنان گسیخته ، موج نوسان و تردید ، بی اعتمادی و انفعال در پوشش فقدان چشم انداز در میان عناصر مردد و متزلزل تشدید میگردد و این مختص جنبش ما نیست بلکه به درجات مختلف در کلیه جنبش ها در چنین اوضاعی عمومیت دارد ، اما حساب انقلابیون از این عناصر و گرایشها جدا است . برای یک انقلابی کمونیست که به طبقات و کارگر و حتمیت پیروزی آن ایمان دارد ، هیچ عاملی نمی تواند چشم انداز پیروزی را از میان بردارد و در امر مبارزه خلی ایجاد کند . ثبات قدم ، ایمان و استواری یک کمونیست انقلابی این است که تحت هر شرایطی قادر و حاضر به مبارزه است . نه سرکوب و اختناق نه رکود جنبش ، و نه در نیمه راه ماندن یاران دیرروز هیچ یک نمی تواند بر سر راه پیشبرد مبارزه انقلابی کمونیستها مانع ایجاد کند . کسانی

که امروز خود را کمونیست ، فدائی و غیره نامند ، حتی در صحت برنامه و خط مشی سازمان کوچکترین تردیدی هم ندارند ، اما این مبارزه در وضعیت دشوار کنونی می هراسند ، اینها در عمل نه کمونیست اند ، نه معتقد به برنامه و خط مشی سازمان . فدائی کسی است که برای تحقق اعتقادات خود مبارزه میکند ، به عمل انقلابی روی می آورد و هیچ عاملی نمی تواند مانع فعالیت او گردد . باید با تلاش بلاوقفه در پاسداری از سنت مبارزه فعال و انقلابی فدائیان خلق و مداخله فعال در امر مبارزه طبقاتی این تمایلات و روحیات منفی را درهم شکست . حقیقت است که ما در گذشته بعزت یکرشته اشتباهات ، در نتیجه ضربات مداوم پلیس و انشعابات مکرر از این مداخله در امر مبارزه طبقاتی باز مانده ایم ، اما بدون تردید با درس گرفتن از این اشتباهات و تلاش در جهت ایجاد یک تشکیلات مستحکم در میان کارگران ، و زحمتکشان قادر خواهیم بود با مداخله فعال در امر مبارزه طبقاتی راه حماسه آفرینان سیاهکل را تا نیل به هدف نهائی ادامه دهیم .

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در نتیجه سه دهه مبارزه طبقاتی و از دل سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پدید آمد و با نقد مواضع و انحرافات آن و با تغییر نام آن به سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در نهمین نشست خود در سال ۱۳۵۶ تداوم فعالیت خود را تحت نام . ارگان و مواضع جدید که از نقد گذشته و تحلیل شرایط حاضر بر می خاست آغاز نمود . سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در عین حال تجلی وحدت بخشی از محافل و نیروهای کمونیست سازمان چریکهای فدایی خلق ایران است .**



## مبارزات خلق ترکمن

### بمناسبت ۱۴ بهمن و تحمیل جنگ دوم به خلق ترکمن از طرف رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ایران (بهرنگ)

سطح بسیار نازلی قرار داشت. فساد و رشوه خواری در ادارات جان مردم را بر لب آورده و اعتیاد در منطقه بیداد می کرد. هرگونه صدای آزادیخواهی در گلو خفه می شد و روشنفکران و زحمتکشان منطقه در برابر کوچکترین اعتراضی به زندان افکنده می شدند. بدینسان مردم ترکمن همچون دیگر طیف زحمتکش و رنج کشیده ایران در آستانه قیام 57 به استقبال آن شتافتند. با وجود کوششهای عوامل وابسته به دربار برای تفرقه افکنی و قرار دادن خلق ترکمن در مقابل قیام توده ای، مردم ترکمن شعارهای قیام را از حمایت از آن پرداختند. نمی توانست جز این هم باشد زیرا که خلق ترکمن نیز تحقق خواسته های خود را در نابودی رژیم شاه و قطع نفوذ امپریالیستها می دانست. مردم ترکمن که طی سالیان دراز توسط مالکان بزرگ و حکومتهای مستبد سرکوب شده بودند خوب می دانستند که برچیدن بساط ظلم و استبداد و دستیابی به آزادی و برابری با سایر خلق جزء با آزادی کشور از قید حکومتهای خودکامه، برچیدن بساط امپریالیستها و نوکران آنها و تامین استقلال و آزادی در ایران امکان پذیر نیست. بدین جهت آنها نیز به همراه سایر خلقهای کشور خواهان برقراری یک حکومت ملی و مردمی بودند، شعارهای خلق ترکمن در اولین راهپیمایی آنها قبل از قیام بهمن همه و همه نشانگر این امر بود. در قیام بهمن 57 کانون فرهنگ و سیاسی خلق ترکمن توسط روشنفکران سازماندهی مبارزات مردم ترکمن صحرا ایجاد شد. بزودی کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن که از دل مبارزات مردم بیرون آمده بود، به محل مراجعه

کردند. خواستهای ملی و به حق خلق قهرمان و سلحشور ترکمن از زمان استبداد رضا شاهی تا دوران سلطنت محمد رضا پهلوی و حال نیز توسط رژیم بغایت ارتجاعی جمهوری اسلامی همچنان سرکوب می شود. هدف محمدرضا پهلوی در ترکمن صحرا بسان کردستان و بلوچستان و ... از بین بردن حقوق به حقه و فرهنگ ملی خلق ترکمن بود تا از وحدت ملی و یکپارچگی مردم جلوگیری کند و در غارت و سرکوب آنها با مانعی مواجه نشود. محمدرضا پهلوی سعی داشت از قوام و دوام فرهنگ ملی خلق ترکمن جلوگیری کند و آنها را بیش از پیش در سایر خلقها حل نماید. جوانان ترکمن را با فرهنگ و ملیت خویش بیگانه سازد و مانع از اشاعه ادبیات و هنر مردمی در آن سامان گردد. ترکمن صحرا یکی از مناطق غنی کشور ماست ولی رژیم پهلوی به لحاظ امکانات زیستی آن را چنان در فقر نگه داشته بود که یکی از تبعیدگاههای رژیم محسوب می شد. امکانات اولیه زندگی نظیر بهداشت و درمان، مدرسه، جاده، آب آشامیدنی و حمام و غیره بویژه در روستاهای منطقه که اکثریت اهالی در آنجا ساکنند در

خلق ترکمن از خلقهای محروم ایران است که سالیان متمادی تحت ستم دوگانه قرا داشته است. کارگران و زحمتکشان ترکمن اعم از دهقانان، دامداران، صیادان و ... همچون دیگر زحمتکشان ایران سالها تحت ستم سرمایه داران، اربابها، تجار رباخواران بی رحم و حکومتهای ارتجاعی حامی آنها بودند و هستند. مردم ترکمن بعنوان یک ملیت با زبان، فرهنگ و آداب و رسوم ویژه خود، از هرگونه حقوق ملی بی بهره هستند. طی پنجاه سال سلطنت استبدادی خاندان پهلوی خلق رنج کشیده ترکمن به وحشیانه ترین شکلی مورد غارت و سرکوب واقع شده و این منطقه مرزی کشور ما همواره عرصه تاخت و تاز ژاندارمها و ساواکیها بوده، در حالیکه هزاران هکتار زمینهای حاصلخیز منطقه ترکمن صحرا در اختیار وابستگان شاه، درباریان، امراء ارتش و ساواکیها و دیگر نوکران دست به سینه همچون اویسی ها و مزین ها، قرار داشت، زحمتکشان منطقه با فقر و محرومیت دست و پنجه نرم می کردند و حاصل دسترنج آنها توسط این زالوصفتان غارت می شد این جانپان به جان و مال و ناموس مردم نیز رحم نمی

اقتدار گوناگون در منطقه از دهقانان ، دامپروران ، صیادان و قالی بافان گرفته تا کارمندان و کسبه جزء و روحانیون مترقی گردید . دهقانان رنج کشیده ترکمن که از مدتی قبل از قیام 57 در بعضی نقاط اقدام به باز پس گرفتن زمینهای غصب شده شان کرده بودند به کمک این نهاد اقدام به ایجاد شوراهای روستایی در روستاهای خود جهت مصادره زمینها ، سازماندهی و هدایت کشت و کار در آنجا و پیشبرد تمامی امور روستاها نمودند . بسیاری از بزرگ مالکان مالکان با اوج گیری مبارزه دهقانان از منطقه فراری شدند ، شوراهای بی شماری شکل گرفت و در پی آن ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا ، توسط فرزندان انقلابی خلق ترکمن وبا حمایت توده ها برای هماهنگی شوراها و سازماندهی مبارزات دهقانان ایجاد گردید . بزودی با رهبری کانون و ستاد مبارزات توده های منطقه متشکل تر و سازمان یافته تر شد . بدین ترتیب مبارزه دهقانان زحمتکش علیه بزرگ مالکان ، تجار بزرگ و واسطه ها ، رباخواران و ساواکیها در واقع همه عوامل و پایگاههای رژیم شاه و امپریالیستها شدت هر چه بیشتری یافت . روحانیون و دولت موقت لیبرالی آنها که بر موج انقلاب حاکمیت را بدست آورده بودند ، از همان ابتدا هراس خود را از این جنبش توده ای نشان داده و بی شرمانه در جهت سرکوب آن اقدام کردند . نیروهای ارتجاعی درون حکومت به یاری ساواکیها ، بزرگ مالکان و تجار بزرگ منطقه در فروردین ماه سال 1358 برای

سرکوب مبارزات دهقانان زحمتکش و مردم غیور شهرهای ترکمن صحرا با توطئه چینی زبوانه ای جنگی نابرابر به خلق ترکمن تحمیل نمودند . مردم

### چهار سوار

#### در سوگ چهار شهید ترکمن

#### از دور دست های سپیده آمدند

#### از دور دست های باور و خاطره

### چهار سوار

### چهار بیدار

#### از شعور آفتاب آمدند

#### آسان گذر . از دهلیز های ظلمت

### چهار سوار

### چهار بیدار

#### با چهار خنجر خونین بر گلو

#### با چهار تبسم روشن بر لب

### چهار سوار

### چهار بیدار

ترکمن صحرا که مصمم بودند از دستاوردهای مبارزات خود دفاع کنند به آنها اجازه ندادند راه به جایی ببرند . مردم ترکمن صحرا با ایستادگی و یکپارچگی خود توطئه آنان را خنثی نمودند و با مقاومتی جانانه ، پوزه نوکران مالکان بزرگ را به خاک مالیدند . پیروزی در این جنگ پیروزی زحمتکشان بر بزرگ مالکان و حامیان رنگارنگ آنها بود . این پیروزی خلق ترکمن را برای مبارزه همه جانبه علیه مالکان بزرگ و تحقق خواستهای ملی خویش استوار تر ساخت . افشاء توطئه گران و عوامل ارتجاع توسط کانون

فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا ماهیت توطئه گران را هر چه بیشتر برای توده های ترکمن و زحمتکش روشن ساخت . مصادره زمینهای بزرگ مالکان فراری و بازمانده سرعت پذیرفت . تشکلهای مردمی در شهر و روستا گسترش یافت . گامهای بلندی در راستای افزایش قدرت مردم در اداره امور خویش برداشته شد . با رهبری ستاد در روستاها اتحادیه های دهقانی و سپس اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن صحرا که همه زحمتکشان منطقه نظیر ترکمنها ، زابلیها و بلوچها را در بر می گرفت تشکیل گردید . اتحادیه های دهقانی منطقه ترکمن صحرا از تشکلهای توده ای کم نظیری بود که اتحاد و یگانگی دهقانان روستاهای منطقه را تامین کرده و عامل مهمی در جلوگیری از توطئه های بزرگ مالکان و حامیان آنها به حساب می آمد . اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن صحرا همچنین مجموعه امور صنفی و سیاسی روستائینان ترکمن صحرا را هدایت می کرد و در هدایت مبارزه دهقانان سهم و نقش ارزشمندی داشت . در این اتحادیه نمایندگان دهقانان روستاهای گوناگون خود مستقلاً مسائل و مشکلاتشان را بررسی می کردند و برای حل و فصل آنها تصمیم می گرفتند . اتحادیه های دهقانان ترکمن صحرا خشم و نفرت مرتجعین درون حکومت و بزرگ مالکان منطقه را برانگیخت آنها یک لحظه از توطئه علیه دهقانان و شوراها و اتحادیه های آنها فروگذاری نکردند و خاموش نماندند .

در شهرها زحمتکشان و متخصصین و کارمندان ، معلمان و دانش آموزان و در مناطق ساحلی دریاچه خزر صیادان در جهت ایجاد تشکل برای دفاع از منافع صنفی خود حرکت می نمودند. آگاهی سیاسی توده ها در جریان مبارزه آنها برضد عوامل ارتجاع و امپریالیسم افزایش می یافت. خلق ترکمن به حمایت مادی و معنوی از جنبش خلق کرد برخاسته و در جهت پیوند هر چه حیرت زده زورگویان سابق و ارتجاع در شهر و روستا در راستای مبارزات ضد امپریالیستی ودمکراتیک خلقهای ایران به پیش می تاختند. بویژه مبارزات دهقانان زحمتکش منطقه بعنوان الگویی راهنمای مبارزات دهقانان و زحمتکشان سایر مناطق کشور علیه بزرگ مالکان و حامیان آنها بود . مرتجعین درون حکومت که حامیان پرو پا قرص بزرگ مالکان بودند ، از اوج گیری مبارزات مردم منطقه علیه بزرگ مالکان و برای کسب حقوق ملی خویش به وحشت افتادند. حکومتیان از سازمان یابی توده های دهقانی حول شوراها و اتحادیه ها ، جوانان شهرها و روستاها حول کتابخانه های بیشمار روستایی و شهری ، معلمان حول کانون معلمان ترکمن صحرا ، مهندسان و تکنسین های دمکرات و مردمی حول کانون مهندسین و تکنیسین های ترکمن صحرا ، زنان ترکمن صحرا حول کانون زنان ترکمن صحرا و ... سخت هراس داشتند . مرتجعین که با اوج گیری کم نظیر جنبش توده ای در ترکمن صحرا مواجه شده بودند، چاره را در تحمیل جنگ دیگری برای سرکوب خلق قهرمان ترکمن دیدند و بی رحمانه به سرکوب جنبش خلق مبارز

ترکمن و کشتار دسته جمعی مردم و ایجاد جو ترور و خفقان پرداختند ، تا مبارزات مردم را مهار کنند. بسیاری از مردم بی گناه و فرزندان دلیر و انقلابی خلق ترکمن از جمله چهار رهبر انقلابی و فدایی خلق ترکمن توماج ، مختوم ، واحدی و جرجانی را بدون محاکمه و مخفیانه اعدام نمودند و به گمان خود کار را " خاتمه " دادند. اعمال وحشیانه حاکمیت جمهوری اسلامی در همان زمان با انزجار و تنفر نیروهای مترقی سراسر ایران روبرو شد. مردم آگاه این خونریزی و کشتار حکومتیان را محکوم کردند ، و با خلق ترکمن ابراز همبستگی نمودند . رژیم پس از سرکوب مردم ترکمن صحرا به کشتار و بگیر و ببند گسترده در منطقه دست زد و می خواست هر چه زودتر آب رفته را بجوی بازگرداند. ولی زحمتکشان ترکمن محکم و استوار به دفاع از دستاوردهای خود ایستادند. چهل شهدای خود را با شکوه برگزار نمودند، جشن سنتی گندم را برپا نمودند و جلسات اتحادیه ها و اتحاد سراسری را در زیر سرنیزه های پاسداران تشکیل دادند. روشنفکران انقلابی خلق در افشاء سیاستهای ارتجاعی حکومت دمی از پا نشستند . رژیم جهل و خرافه جمهوری اسلامی در منطقه ارگانهای سرکوبگر خود را مثل سپاه و کمیته و شهربانی و ژاندارمری و دادستانی انقلابی و پیشروان روستایی و دیگر زحمتکشان منطقه را به بهانه های مختلف تحت تعقیب و پیگرد قرار داد. اکنون نیز عده زیادی در زندانهای رژیم بسر می برند و مورد شکنجه های قرون وسطایی قرار می گیرند و عده ای را نیز به

جوخه های اعدام سپرده و می سپارند. تعداد زیادی از عناصر دمکرات و مبارز و سرشناس تبعید شده اند ، بسیاری نیز ناچار به ترک دیار خود گردیده اند. رژیم اکنون در ترکمن صحرا چنان جورعب و وحشت و تروری ایجاد نموده است که هیچ امنیتی برای زندگی و کار مردم عادی وجود ندارد و هیچ کس از گزند گزومه های حکومتی در امان نیست. حکام ددمنش و خون آشام جمهوری اسلامی با گذشت 29 - 30 سال از قیام بهمین نه تنها هیچ یک از خواستههای دهقانان زحمتکش و مردم مبارز ترکمن صحرا را برآورده نساختند ، بلکه با خیانت به دستاوردهای قیام بهمین 57 به مقابله همه جانبه با آنها پرداخته و تمام تلاش خود را بر آن داشته اند تا زمینهای مصادره ای دهقانان ترکمن صحرا را بازپس گیرند و ما شاهد هستیم که مجدداً زمینهای دهقانان به بزرگ مالکان فراری، ساواکیها و امرای ارتش سابق تحویل داده شده است. و جدیداً در همین چند سال اخیر با ارسال خائنان خلق به خارج کشور به بهانه های ترویج فرهنگ و برپایی کنسرت و دائر کردن کانونهای فرهنگی ترکمن سعی در رسوخ به میان کانون بازسازی شده خلق ترکمن در کشورهای اروپایی انقلابیون را از درون تهی و به بیراهه بکشاند ولی انقلابیون و روشنفکران خلق ترکمن با رسوا کردن این عمال نقشهای پلید رژیم ننگ و نفرت جمهوری اسلامی را افشاء نمودند.

ریگای گه ل در فیس بوک

[www.facebook.com/regaygal](http://www.facebook.com/regaygal)

## بمناسبت ۲ بهمن . شصت و پنجمین سالگرد اعلام

### جمهوری خودمختار کردستان!

دوم بهمن ماه مصادف است با شصت و پنجمین سالگرد اعلام جمهوری خودمختار کردستان . در چنین روزه تاریخی برای نخستین بار در تاریخ خلق کرد دولت ملی حاکم گردید و آرزوهای دیرین خلق کرد تحقق یافت . اگر چه عمر این جمهوری بسیار کوتاه بود ، اما خاطره پرشکوه آن در تاریخ مبارزه خلق کرد ماندگار است . جمهوری خودمختار کردستان که شمال و برخی مناطق مرکزی کردستان تحت کنترل آن بود ، علاوه بر انجام برخی اعمال دمکراتیک نظیر آموزش به زمان کردی ، آزادی تبلیغ و ترویج عقاید و نظرات و انتشار و چاپ نشریات و کتاب به زبان کردی ، حق رای برابر برای زنان ، تسلیح عمومی و ایجاد نیروی (( پیشمرگ )) برای حفظ امنیت و حفاظت جمهوری و ... قادر به گسترش حاکمیت خویش به تمامی مناطق کردستان نگردید و نتوانست توده های زحمتکش خلق کرد را حول اعمال اساسی و ریشه ای همچون حل مسئله زمین و تغییر روابط و مناسبات اجتماعی حاکم گرد آورد و سنگری مستحکم برای دفاع از جمهوری بنا نهد . جمهوری خودمختار در همان محدوده فعالیت خویش چنان اعمالی در طول استقرار خویش برای حفظ و تداوم جمهوری انجام نداد . جمهوری کردستان اگر چه در ابتدا توانست تهاجمات رژیم به جمهوری را خنثی نماید و جای پای خویش را محکم نماید و دولت مرکزی

ملی سر برآورد و توده های گسترده خلق حول احزاب و جریانات ملی گرد آمدند ، که مهمترین آنان جنبش ملی در آذربایجان و کردستان بود که در هر دو این مناطق گسترش این جنبشها به عامل استقرار جمهوری خودمختار تبدیل گردیدند . عامل اصلی پیروزی جنبشهای ملی در کردستان و آذربایجان ، زمینه های عینی قوی چنین جنبشهای بود . در طول حیات دیکتاتوری سیاه ، بخصوص پس از شکست انقلاب مشروطه و استقرار دولت بوروکراتیک – ارتجاعی رضا شاه ، سرکوب ملیتهای تحت ستم بعنوان یکی از اساسی ترین اعمال ارتجاعی ضد انقلاب بمنظور مستحکم نمودن ستونهای حاکمیت بکار گرفته شد . این سرکوب در اکثر نقاط ایران اعمال گردید ، اما در آذربایجان و کردستان در سطحی وسیع بکار گرفته شد . اکثریت ژنرالهای دیکتاتوری حاکم ترفیع درجه خویش را بواسطه سرکوب ملیتهای تحت ستم در آذربایجان و کردستان بدست آوردند . علاوه بر این ، وجود روابط و مناسبات کهن و پوسیده فئودالی – عشائری در کردستان و عقب ماندگی اجتماعی – اقتصادی این منطقه و گسترش این عقب ماندگی از جانب ارتجاع حاکم و حمایت آنان از بخشی از مرتجعین منطقه بمنظور حفظ چنین وضعیتی ، همگی زمینه های مادی بودند که در شرایط رشد و گسترش جنبش عمومی ، در قیام عمومی و اتحاد توده های خلق کرد نمایان گشت . اما استثمار ملی سرپوشی بر تضادهای اجتماعی حاد و عمیق و بحرانهای حاکم بر اوضاع اقتصادی – اجتماعی جامعه آنروز کردستان بود . به همین خاطر جنبش

را ناچار به پذیرش اکثریت مطالبات خویش و از همه مهمتر استقرار جمهوری خودمختار کردستان نماید ، اما قادر نگردید در عمل جای پای آن جمهوری را محکم نموده و در برابر توطئه های دولت مرکزی و تهاجمات آتی آن خویش را آماده نماید . به همین دلیل حاکمیت ارتجاعی مرکزی علیرغم عقب نشینی اولیه ، تمام تلاش خویش را بکار بست تا تهاجمات گسترده تری را برای سرکوب جمهوری خودمختار کردستان سازماندهی نماید . اما جمهوری کردستان در شرایطی معین در توازن قوا در ایران اعلان گردید . شرایطی که در آن توازن قوا به شیوه قاطع به سود جنبش انقلابی بود . عوامل عینی داخلی و زمینه مساعد بین المللی به تمامی بر پیروزی جمهوری تأثیر گذار بودند . جنبشی که عامل استقرار جمهوری خودمختار کردستان گردید ، بر بستر جنبش انقلابی توده های مردم سراسر ایران بعد از سقوط دیکتاتوری رضاشاه ایجاد گردید . پس از شهریور ماه سال 20 و همزمان با ورود نیروهای متفق به کشور ایران ، پایه های دیکتاتوری ارتجاعی بوروکراتیک حاکم از هم پاشید ، و فضایی نیمه دمکراتیک ایجاد گردید . جنبش توده ای قدرتمند بود ، احزاب و سازمانهای مترقی و انقلابی در سراسر ایران ایجاد گردیدند و در میان ملیتهای تحت ستم که بیشترین فشار دیکتاتوری رضا شاه بر دوش آنها سنگینی میکرد ، جنبشهای

ملی سالهای 24 - 25 در کردستان علیرغم آنکه توانست عامل استقرار دولت ملی گردد و از تمامی عوامل موثر در این زمینه بهره گیرد ، اما با در نظر نگرفتن چنین واقعیتی هیچ وقت نتوانست اعمال اساسی برای استحکام پیروزی و تداوم آن در آینده انجام دهد . مهمترین جانب این ضعف خود را در ناتوانی در پاسخگویی این جمهوری به اساسی ترین مشکل جنبش انقلابی خلق کرد در آنزمان یعنی مسئله و مشکل زمین نمایان ساخت . چه ساختار رهبری این جمهوری و چه اقدامات آن در طول حیات خویش ، نشان داد که جمهوری قادر نیست این امر را به انجام رساند . این مسئله تاثیر بلا واسطه ای داشت بر گردآوری و سازماندهی توده های مردم بمنظور حفظ جمهوری اسلامی و بقا آن . رهبری جمهوری نتوانست توده های زحمتکش کرد را به پاسخگویی به مطالبات مشخص خویش سازماندهی نماید . به همین خاطر نتوانستند علیرغم برخی اقدامات ، در طول حیات جمهوری ، قدمهای موثر برای استحکام آن بردارند و محدوده حاکمیت خویش را گسترش دهند ، زیرا استحکام جمهوری در گرو حمایت هر چه بیشتر توده های مردم مسلح و سازماندهی شده از آن بود . امری که در عمل به دلیل ساختار طبقاتی رهبری جمهوری قادر به انجام آن نبودند . به همین دلیل نتوانستند دیگر مناطق را به زیر چتر پرچم جمهوری در آورند و نبردی جدی و همه جانبه برای استحکام دستاوردهای جمهوری انجام دهند . جمهوری خود مختار با عدم توانایی خویش در تغییر روابط و مناسبات حاکم

بر جامعه کردستان و به انجام ندادن اقدامات دمکراتیک اساسی در زمینه ی اجتماعی ، در زمینه سیاسی نیز نتوانست در هماهنگ کردن ارتباط خویش با دولت مرکزی از نیرویی موثر برخوردار باشد و توطئه های پی در پی حکومت مرکزی را خنثی نماید . جمهوری کردستان برای تشکیل جبهه ای سراسری فعالانه مشارکت کرد و در این زمینه علاوه بر برخی توافقات با جمهوری خود مختار اذربایجان ، با برخی دیگر از نیروهای دمکرات و انقلابی سراسری ایران گفتگو نمود . اما این جبهه ی سیاسی نتوانست اقدامات مهم در جهت تغییر توازن قوا در سراسر ایران به انجام رساند . بخصوص با معامله و سازشکاری حزب توده با قوام السلطنه نخست وزیر وقت و مشارکت آنها در دولت ارتجاعی این جبهه بدون نتیجه ماند . با ورود حزب توده به دولت ، این حزب در عمل از هرگونه دفاع از حق تعیین سرنوشت ملیتهای تحت ستم ، چشم پوشی نمود و نه تنها برای معرفی اهداف انقلابی جمهوری خود مختار نتوانست قدم بردارد ، بلکه با سازش و ائتلاف وقت ، بیشتر فرصت و زمینه ی سرکوب جنبش ملی در اذربایجان و کردستان بوسیله حکومت مرکزی را فراهم مینمود و دولت را در این جهت کمک میکرد و هر چند این حزب در نیمه راه سازش و پس از تغییر توازن قوا به سود ارتجاع از دولت قوام بیرون رانده شد ، اما این

سازش حزب توده به عامل ضعف اساسی جمهوریهای خود مختار تبدیل گردید ، یعنی تکیه یک جانبه آنان به مسئله ملی و در نظر نگرفتن اساسی ترین مسائلی که به عامل شکل گیری جنبشها و تغییر برخی عوامل موثر بین المللی تاثیر خویش را بر مرگ و بقا جمهوریها بر جای گذاشت . جمهوری خود مختار کردستان در روز 24 آذر سال 1325 بدون دفاع چشمگیر و با ورود ارتش ارتجاع به داخل شهر مهاباد سرنگون شد و رهبری آن پس از دستگیری اعدام شدند . اگر چه عمر جمهوری کوتاه بود ، اما تجربه پر ارزشی که از خود به جای گذاشت همچون تجربه ای پر ارزش در حیات جنبش انقلابی خلق کرد ، از جایگاه ویژه ای در تاریخ مبارزه خلق کرد برخوردار است . اگر چه نخستین جمهوری خود مختار کردستان زیر چکمه ی نیروهای سرکوبگر ارتجاع حاکم و سرکوبگران سرنگون گردید ، اما آرمانهای خلق کرد و مبارزه برای به تحقق رساندن آنها همچنان زنده اند .

**سازمان اتحاد فدائیان  
کمونیست . واژگونی  
جمهوری اسلامی را بمشابه  
برجسته ترین تکیه گاه نظام  
سرمایه داری حاکم بر ایران  
و سرسخت ترین دشمن آزادی  
طبقه کارگر و جایگزینی آن  
توسط یک جمهوری فدراتیو  
شورایی را وظیفه عاجل خود  
می داند .**

**خلق قهرمان . کارگران و رفقای مبارز با مشارکت و ارسال مطالب .  
نظریات و انتقادات خود ما را در غنی تر ساختن هر چه بیشتر نشریه**

[Kurdistan@fedayi.org](mailto:Kurdistan@fedayi.org)

**یاری نمائید .**

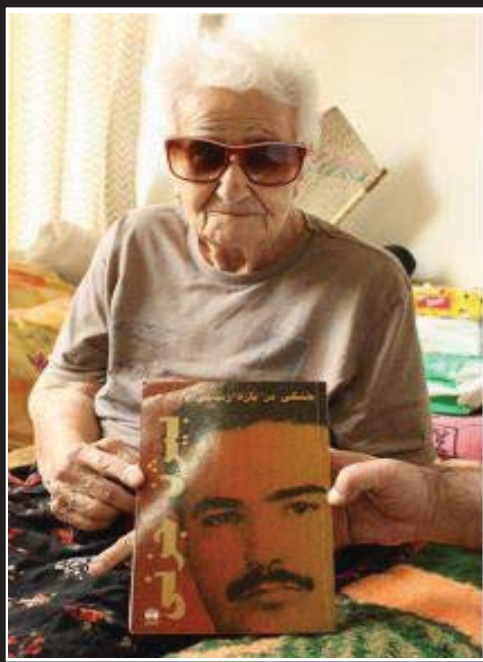
# بمناسبت درگذشت مادر جزنی

## اطلاعیه روابط عمومی سازمان

باخبر شدیم که مادر مبارز عالم تاج کلانتری مادر رفیق بیژن جزنی و خواهر سعید و منوچهر کلانتری در شامگاه ۲۱ بهمن ۱۳۹۰ درگذشته است. مادر جزنی در سراسر زندگی مبارزاتی خود تا آخرین لحظات زندگی دل درگرو آزادی و عدالت اجتماعی و سوسیالیسم داشت. او بمتابه مادری مبارز همواره به اهداف بنیانگزاران سازمان، بویژه فرزند خود بیژن وفادار ماند و همچون سایر مادرانی که فرزندان مبارز و کمونیست تحویل جامعه داده بودند، مشکلات و سختی های بیشمار لازمه گام نهادن در مبارزه بر علیه استبداد، ارتجاع و سرمایه داری را به جان خرید. ما، درگذشت مادر جزنی را به به مردم زحمتکش ایران، یاران و همزمان بیژن، همسرش میهن، فرزندانش بابک و مازیار و دیگر یاران او تسلیت می گوئیم.

یادش همیشه گرمی باد

روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست



ماه نامه **راه سرخ**، نشریه فعالین داخل

کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

منتشر شد

نشریه راه سرخ و دیگر انتشارات سازمان را از

سایتهای کار آنلاین و سازمان دریافت کنید:

[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

[www.kare-online.org](http://www.kare-online.org)

تحریریه ریگای که ل انتشار اولین شماره نشریه راه سرخ را به رفقای کمیته داخل کشور سازمان، دست اندرکاران نشریه راه سرخ و تمامی رفقای فدایی در سطح سازمان شاد باش می گوید.

امیدواریم نشریه راه سرخ به تربیون کارگران و زحمتکشان مبارز کشورمان تبدیل گردیده و نقش فعال خویش را بعنوان ارگان کمیته داخل در جهت سازماندهی و آگاه گری توده های تحت ستم

کشورمان ایفا نماید.

رفقای دست اندرکار نشریه راه سرخ، ما به سهم خود دستهای گرم شما را صمیمانه میفشاریم و پیروزی هر چه بیشتر شما را در

پیکار سرخ و انقلابی تان آرزو میکنیم.

درباه نشریه :

راه سرخ ماه نامه ای است که راس هر ماه منتشر و در اختیار عموم قرار خواهد گرفت. راه سرخ نشریه و زبان گویای تمامی کارگران و زحمتکشان و تمام کسانی است که در راه رهایی طبقه تلاش نموده و تا نفی کارمزدی هرگز از پای نخواهند نشست. از این رو تمامی کسانی که خود را کمونیست می دانند و به سرنگونی جمهوری جهل و جنایت اسلامی و در هم شکستن ماشین سرکوب بورژوازی از طریق قهر توده ای اعتقاد دارند می توانند در این نشریه قلم زده و برای نشر با ارسال مقالات ما را باری رسانند. طبیعی است که مسئول مندرجات مقالات نویسنده مقاله بوده و حق نقد و بررسی برای رفقای تحریریه و بقیه رفقا محترم شمرده میشود. راه سرخ از طریق اینترنت و روش سنتی پخش و در دسترس همه دوستداران طبقه کارگر و آحاد مردم قرار خواهد گرفت.



**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست**

**راه سرخ**

شماره ۱

---

**چگونگی نشر:**

این نشریه به صورت ماهانه و در هر ماه یک شماره منتشر میگردد. هر شماره شامل ۱۰ صفحه است. هزینه هر شماره ۱۰۰۰ ریال است. برای دریافت شماره ها و اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ تماس بگیرید. آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰، طبقه اول، دفتر نشر راه سرخ.

این نشریه ماهانه است و در هر ماه یک شماره منتشر میگردد. هر شماره شامل ۱۰ صفحه است. هزینه هر شماره ۱۰۰۰ ریال است. برای دریافت شماره ها و اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ تماس بگیرید. آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰، طبقه اول، دفتر نشر راه سرخ.

---

**بزرگوار:** بهمن، بهمن، بهمن

این نشریه ماهانه است و در هر ماه یک شماره منتشر میگردد. هر شماره شامل ۱۰ صفحه است. هزینه هر شماره ۱۰۰۰ ریال است. برای دریافت شماره ها و اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ تماس بگیرید. آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰، طبقه اول، دفتر نشر راه سرخ.

---

**کار:** کار، کار، کار

این نشریه ماهانه است و در هر ماه یک شماره منتشر میگردد. هر شماره شامل ۱۰ صفحه است. هزینه هر شماره ۱۰۰۰ ریال است. برای دریافت شماره ها و اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ تماس بگیرید. آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰، طبقه اول، دفتر نشر راه سرخ.

---

**مسکن:** مسکن، مسکن، مسکن

این نشریه ماهانه است و در هر ماه یک شماره منتشر میگردد. هر شماره شامل ۱۰ صفحه است. هزینه هر شماره ۱۰۰۰ ریال است. برای دریافت شماره ها و اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ تماس بگیرید. آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰، طبقه اول، دفتر نشر راه سرخ.

---

**آزادی:** آزادی، آزادی، آزادی

این نشریه ماهانه است و در هر ماه یک شماره منتشر میگردد. هر شماره شامل ۱۰ صفحه است. هزینه هر شماره ۱۰۰۰ ریال است. برای دریافت شماره ها و اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ تماس بگیرید. آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰، طبقه اول، دفتر نشر راه سرخ.